

# پناهجویان حاشیه هلیل رود، غریبگی در وطن

October 17, 2018 / عظم بهرامی

از کجا آمده اید؟

بیش از یکماه است، نزدیک به صد جوان شبها در پارک میخوابند. در پارکی در حاشیه نیمه جان هلیلرود. یکی از فعالین محیط زیست منطقه فایل صوتی از آنان برآیم فرستاده است. جوانی با صدای بغض کرده میگوید که روی خودش گازونیل ریخته و رفته خودش را دم بنیاد مسکن جبرفت آتش بزند چون به خاطر وام پرداخت نشده خانه اش را گرفته اند. دیگری میگوید من با دامهای پدرم کار میکردم و عشایر بودم و درس هم نخواندم. و هیچ کاری جز کشاورزی نمیدانم. آن یکی میگوید من دو تا دختر دارم، هفته پیش تلویزیونمان را فروختم و پولش را خرج کردیم و حالا دختر کوچکم هر شب گریه میکند.

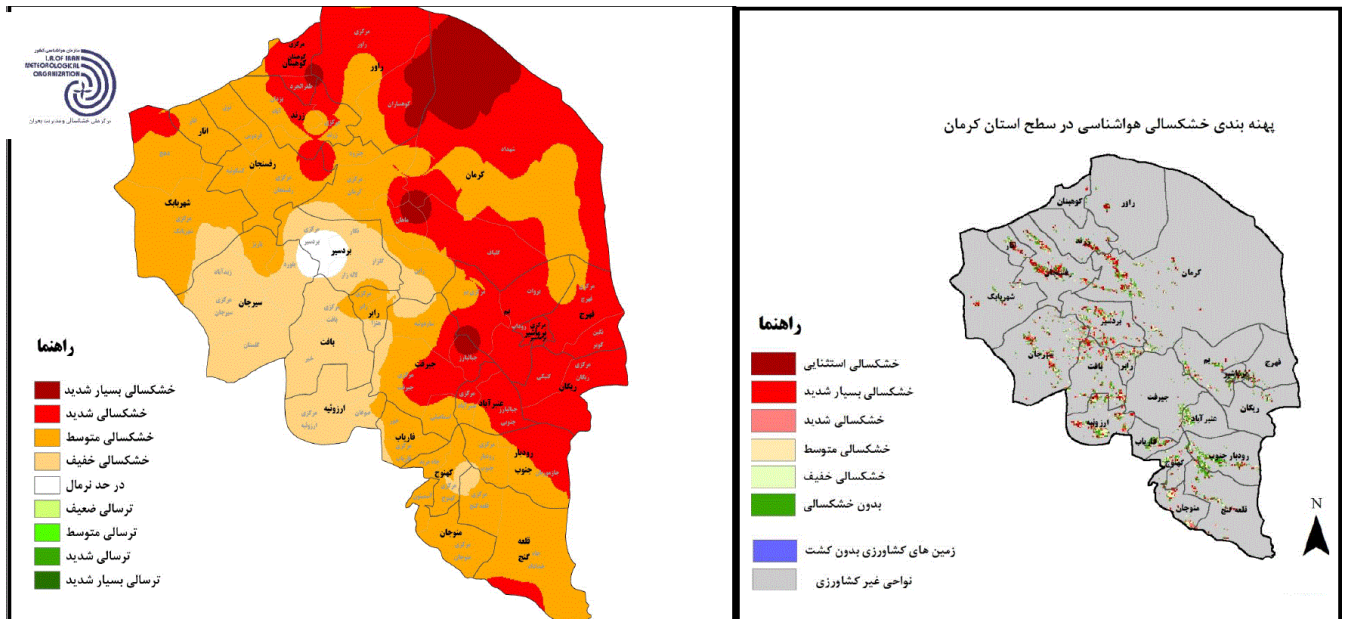


کشاورزان و دامداران مهاجر در حاشیه هلیلرود

دیگری میگوید برو آنگوشه یکی هست که صد راس دام داشته و کشاورز نمونه بوده. صدای پس زمینه میاید: ما که به درآمد زیرپوش فروشی و جوراب فروشی هم راضی هستیم مگر چه از زمین و شتر و گاو و گوسفندمان انتظار داشتیم؟

اینها همه کشاورز و عشایرو دامدار بوده اند در مرز کرمان و سیستان. حالا در کنار هلیل رود آواره شده اند و در یک فضای سبز در حاشیه رود میخوابند. در آب سرد و کم عمق هلیل رود خودشان را میشویند و از دستشویی فضای سبز هم استفاده میکنند. روزها میروند به کارگری ساعتی و بنایی و شبها اینجا میخوابند. اما این افراد از کجا آمده اند و چطور به چنین سرنوشتی گرفتار شدند؟

بیهوده است از آنان بنویسم بدون آنکه بدانیم بر سزمین و زندگیشان در روزگاری نه چندان دور چه گذشته است؟



نقشه خشکی سوزمینی استان کرمان

### فریاد خاموش سرزمینهای در حال خشکیدن

سال 1390 است. منطقه رودبار جنوب در استان کرمان. شهرستانی با بیش از 320 آبادی و 4 دهستان بزرگ. جمعیتی بیش از 110 هزار نفر. با آب و هوای حاره ای تحت تاثیر بادهایی که از خلیج فارس و دریای عمان میوزد مرطوب و شرجی. مناسب کشت مرکبات. با خاک جلگه ای بسیار غنی. گسترده در بستر رودخانه دائمی هلیل رود که از ارتفاعات بافت سرچشمه میگیرد و بیش از 150 کیلومتر در این شهرستان راه طی میکند و به تالاب جازموریان میریزد. تالابی که به علت پوشش گیاهی غنی و دائمی در حریمش به انبار علوفه ایران شهرت دارد. 1200000 هکتار جلگه آبرفتی که بهترین ویژگی را برای پرورش دام و کشاورزی فراهم میکند. رونق این منطقه در تولید محصولات باغی چنان است که بخش مهمی از صادرات داخلی و خارجی را در بر میگیرد.

در مورد سابقه تمدنی مناطقی چون تنب پنگ و برج عباس آباد میتوان گفت که نگاره ها و اشیاء باستانی آن تمدنی ماقبل بین النهرین را در حاشیه هلیل رود نشان میدهد. بیش از 88 درصد مردم این منطقه در روستاها زندگی میکنند و جمعیت زنان و مردان در این منطقه با اختلاف بسیار اندکی برابر است.

تالاب جازموریان گسترده در جنوب استان کرمان و بخشی از سیستان و بلوچستان مهمترین حوزه آبریز استان کرمان است و باید گفت بی شک یکی از بکرترین منابع طبیعی ایران را در دل خود جا داده. احداث سدهای متعدد اما بر روی هلیل رود، باعث کاهش وسعت آن و از بین رفتن حیات این اکوسیستم شده است. سرنوشتی مشابه آنچه بر کارون و زاینده رود و .. گذشته است.



خشکسالی مرگ صدها راس دام را به دنبال داشت

زندگی و حیات مردمانی که نسل در نسل با دامداری و کشاورزی روزگار میگذرانده اند بی آب هلیل رود و دل خشکیده جاموریان چگونه میتواند بگذرد؟

سد بزرگ جیرفت در سال 1370 بر روی هلیلرود احداث شد. و تالاب جاموریان امروز در وضعیت نیست که کانون یک چهارم ریزگردهای ایران را تشکیل میدهد.

حتی تا سال 1393 نیز بسیاری از کارشناسان حوزه محیط زیست و فعالان محلی معتقد بودند که کسر شدن حبابه جاموریان از هلیلرود و وجود 4 سد دیگر و حداقل 24 آب بند خاکی، نه تنها حیات جاموریان که برای کشاورزان نیز مشکلات جدی ایجاد کرده است. در همان سال نماینده مردم جیرفت و عنبرآباد در مجلس اعلام میکند: "خشک شدن تالاب جاموریان که روزی اصلی ترین مرتع برای تامین علوفه دام های بخشی از نقاط سه استان کرمان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان بود، امروز تهدیدی برای مزارع کشاورزی جنوب کرمان است و با وزش باد در آینده شاهد انتقال نمک به این اراضی خواهیم بود."

### کمترین امکانات بعد از سالها تلاش برای آبادانی

در سال 1394 از وزارت بهداشت و درمان تا مسکن و شهرسازی اعلام میکنند که مناطق روستایی در این حوزه جغرافیایی با مشکلات زیر بنایی جدی مواجهند. و گزارش مفصلی منتشر میشود که نه تنها روستاییان منطقه به آب آشامیدنی دسترسی ندارند بلکه جاده آسفالت برای رساندن آب با تانکر نیز به بیشتر این مناطق میسر نیست.

خشکسالی حلقه خود را تنگتر میکند و با گذشت کمتر از 4 سال بسیاری از روستاییان برای پیدا کردن آب و علوفه برای دامهایشان مجبور به کوچ و کپر نشینی میشوند و به تبع آن بسیاری از ایلات و عشایر بلوچ این منطقه نیز مجبور به جابجاییهای طولانی تر شده و بخش زیادی از دامهای خود را از دست میدهند.

از پرورش گاو و گوسفند به شتر داری و از شتر داری به کارگری بر زمینهای باقی مانده قانع میشوند اما زندگی این روستاییان هر روز ویران و ویرانتر میشود.

از این تاریخ به بعد خشکسالی همراه با نشست زمین و حفر چاههای عمیق که به عنوان آخرین تلاشها برای حفظ حیات در منطقه بشمار میرفت به نوعی این منطقه را دچار گسست جغرافیایی بی بازگشتی میکند. از روستاهایی مانند کروچان، حیدرآباد، چارچاهی، چاهبهن، کپری و شهیدآباد چیزی باقی نمانده است.

در اوایل سال 1396 بخش جاموریان با بیش از 54 هزار نفر جمعیت، تبدیل میشود به مجموعه ای از روستاها. روستاها تا عمق 160 کیلومتری به سمت شرق این استان کشیده شده است و به تمامی اهالی آن در طبیعتی خشک و بی آب و علف و در روستاهایی که خانه هایشان از کپر ساخته شده به فقیرانه ترین شکل ممکن زندگی میکنند.

<b>عنوان گروه : در دست اجرا</b>	
<b>عنوان پروژه</b> : سد شهیدان امیر تیموری (صفارود)	
کارفرما : شرکت آب منطقه ای کرمان	
<b>پیمانکار</b> : قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا - قرب کر بلا - موسسه ثارالله	
محل اجرا : استان کرمان - شهرستان رابر	
تاریخ شروع پروژه: ۱۳۸۶/۰۴/۲۳	
تاریخ پایان پروژه: ۱۳۹۹/۱۲/۲۹	
مبلغ: °	
<b>مهندسین مشاور</b> : شرکت مهندسی مشاور مهتاب قدس	
مجری طرح : علی زندگی آبادی	
پیشرفت فیزیکی کل طرح: ۷۱.۵	
<b>توضیح مختصر:</b>	اهداف طرح: ۱- انتقال تامین آب شرب شهر کرمان ۲- تامین آب شرب شهر رابر ۳- مهار سیلاب و روان آب های فصلی رودخانه های رودبیر و رابر

#### شرح پروژه صفارود سایت رسمی وزارت نیرو

پروژه جدید سد صفا رود به معنای واقعی تیر خلاص بر این منطقه خواهد بود. این پروژه همانطور که در تصویر روشن است با وجود تمام مسائل و مشکلات این منطقه در حال اجراست. تصویر روشن میکند که دست سپاه و مهتاب قدس چطور در این پروژه بکار نابدی زندگی ساکنان این منطقه است. موتور مجریان و پیمانکاران سد گتوند دوباره در استان کرمان بکار افتاده است. هدف کلان این پروژه تامین آب شرب کرمان تعریف شده است و من (و حتمن بسیاری دیگر از کارشناسان دیگر) در مقاله های متعدد با محاسبات و ذکر دلایل متعدد نشان دادم که پروژه های اینچنین بهانه تامین آب شرب کرمان کاملن منتفی است و حتی پرسش مهمتر این است که چطور آبی که برای کشاورزان و روستائین ساکن این جغرافیا که صاحبان اصلی این سرزمین هستند را جوابگو نیست میتواند برای شرب به کیلومترها آنطرفتر منتقل شود (با تونل که بخشی از این پروژه است).

درست درپس تصمیماتی چنین است که به اهمیت توسعه پایدار و عنصر آموزش و سرمایه گذاری زیر بنایی در بخشهای روستایی ایران پی میبریم. کشاورزی تک قطبی و ادامه آن به روشهای سنتی از یک طرف و مدیریت کاملاً سازه ای آب و انحصار پتانسیلهای رشد منطقه ای چنین غنی، میتواند در زمانی نه چندان طولانی زندگی هزاران انسان را نابود کند.

#### تصویر عادی شده فقر

اینروزها مرسوم است که بی هدفی روشن و سازنده و تنها صرف نوشتن از فقر، از آن بنویسم. تمام صفحات مجازی پر از عکس ناله ها و تصاویر منتشر شده از فقرا و زباله گردها و کارتن خوابهاست. اما آنچه این تصاویر را معنا دار میکند نوشتن از دلیل آن است. تبدیل آن به یک گفتمان است و بررسی نشانه و بایدها و نبایدها. ابژه کردن تهیدستان همداستانی با سیستمیست که این تبعیض را به آنها تحمیل کرده است. تقلیل موضوعی چنین مهم تحت عنوان نابرابری و بی عدالتی اجتماعی و اقتصادی، به دلسوزی سطحی و شتابزده است که در نهایت سرانجامی چون پروژه "ندر آب" در سیستان و بلوچستان خواهد داشت. نوشتن یک خبر و تصاویری تکاندهنده که در زمانی کوتاه لای اخبار گم میشود. معادل میشود با نادیده گرفتن تاریخی کوتاه که کشاورزی مستقل و توانمند را به خیابان خوابی محتاج حتی برای گذران روزانه زندگی تبدیل میکند. این آسیب عمیق اجتماعی یک پروسه را طی میکند که نباید و نمیتوان از روی آن عبور کرد.



زنان عشایر بلوچ

این رنج بر کرده زنان این منطقه سنگینتر و غم انگیز تر است. زنان روستایی این منطقه برای حمل آب مجبورند ساعتها با ظرفهای سنگین پیاده روی کنند و گزارش شده است توسط برخی از فعالین محلی که گاهی در سنین کمتر از چهل سالگی یائسه و یا دچار ناتوانی فیزیکی در انجام کارهای روزمره خود میشوند. بسیاری از کودکان این منطقه دچار سوء تغذیه اند و از امکان تحصیل و زندگی سالم محرومند.

آیا افزایش آمار این مهاجرتها آنها را به امری عادی در منظر عمومی و دولتی بدل کرده است؟

فعالین کمپین هلیل و جازموریان در گزارشهای مفصل تصویری شرایط محلی را نشان داده و در بخشی از یکی از بیانه های خود به روشنی و درستی خطاب به فرماندار منطقه نوشته اند: "به معترضان به ساخت #سدسفارودوتونل انتقال آب #هلیل رود که قصد تجمع در مسجدی در محل را داشتند، اعلام کردید تجمع آنها غیر قانونی است و با هر گونه تجمع برخورد قانونی می شود و تهدید کردید که یارانه و سهم سوخت آنها قطع می شود و وام کشاورزی به آنها داده نمی شود و تلفنی به همه آنها اعلام کردید که در تجمع شرکت نکنند و کار به جایی رسید که یگان ویژه را برای برخورد با آنها به منطقه اعزام نمودید." حالا آن معترضان دیروز، خسته و ویران به همان رودی پناه آورده اند که روزی رونق و سرسبزی سرزمینشان را مدیون آن بودند.

این سرگذشت نه تازه است و نه بی تکرار خواهد ماند. فلات مرزی ایران باید خود را برای موج عظیمی از مهاجرتها داخلی آماده کند. سرنوشت تلخ و دردناک بی سرزمینی و بی هویتی که از دولت تا سازمان محیط زیست و قوه قضاییه در بوجود آمدن آن مسئولند.

(با سپاس از فعالین محیط زیست جنوب کرمان، حامیان هلیلرود و جازموریان)

کانال اعظم بهرامی